

بازنگری دلایل فروپاشی شوروی

در سال ۱۳۵۸ (۱۹۸۰)، من یک سری مقاله درباره شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روابط بین المللی اتحاد جماهیر شوروی نوشتم که به صورت پاورقی در روزنامه میزان چاپ شد، و سپس در سال ۱۳۶۰، توسط انتشارات رواق (شمس آل احمد و علی دهباشی) در شمارگان ده هزار نسخه بصورت کتاب زیر عنوان "امپراتوری شوروی به کجا می رود؟" منتشر شد. نوشتار من باعث انتقاد و حمله رادیو فارسی مسکو و نیز روزنامه "مردم" حزب توده به من شد. من با نامه ای سرگشاده پاسخ خود را به رادیو مسکو دادم، که "من آنچه برای میهنم باشد انجام میدهم، شما هم به هنر تهدید و ترور خود ادامه بدهید". نتیجه گیری من، بر خلاف گزارشهای رایج، از جمله کا گ ب و سی آی ای، که نظام شوروی را تا ۲۰۰۰ و ۲۰۱۵ پایدار می دانستند، این بود که شوروی در طی ۱۰ تا ۱۲ سال آینده فروخواهد پاشید. تصادفا این اتفاق افتاد و شوروی چند پاره شد.

سالها پس از فروپاشی، برخی سیاستمداران ارشد شوروی گذشته، در مصاحبه هایی دلایل فروپاشی را از دیدگاه خودشان، که به دلایل من نزدیک بود، توضیح دادند. من چکیده گفته های چهار تن از سیاستمداران برجسته شوروی را در اینجا فهرست وار تکرار می کنم، شاید چراغ راهی برای ما باشد:

از دیدگاه تیخونف، عضو شورای عالی اتحاد شوروی، نماینده دوما (مجلس شوروی) و رئیس کمیسیون پارلمانی اتحادیه روسیه و بلاروس:

یک- تضعیف فرهنگ ملی مردم شوروی و تحمیل یک فرهنگ و ایدئولوژی ناکارآمد.

دو- فشار سیاسی و اقتصادی بر مردم که راه نفوذ غرب و ایجاد ستون پنجم در سطح مقامات بالای نظام فراهم کرد.

سه- نقض فاحش حقوق بشر که میدان را برای استفاده ابزاری از حقوق بشر برای غرب آماده کرد، و نیز به بی تفاوتی مردم انجامید.

چهار- تبلیغ گسترده غرب که، با پایان جنگ سرد و هماهنگی با ارزشهای غربی سطح زندگی مردم چند برابر بهتر می شود.

پنج- فقدان یک رهبری سالم، مستقل و دلسوز.

شش- برنامه ریزی ایدئولوژیک برای تاثیرگذاری بر افکار مردم.

هفت- آسان شدن تطمیع و خریداری شدن رهبران شوروی توسط امریکا.

از دیدگاه ایلوخین، عضو دوما، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس روسیه:

یک- عقب ماندگی اقتصادی و بی توجهی رهبران شوروی به وضع اقتصادی و زندگی و رفاه مردم.

دو- مسابقه تسلیحاتی با غرب که باعث خرابی وضع اقتصادی و رفاه مردم شد. دستیابی به فضا، تکنولوژی موشکی و سلاح های هسته ای هزینه کلانی را برای بودجه دولت داشت، و از نیاز مردم به وسایل زندگی مردم غفلت شد.

سه- جدا نگه داشتن مردم شوروی از وضعیت زندگی دیگر ملت ها و کشیدن دیوار آهنین به دور مردم شوروی، تفاوت فاحش سطح زندگی مردم شوروی با غرب که پس از بالا رفتن پرده آهنین آشکار شد. چهار- تسلط افراد احمق، نادان و ناباب بر رسانه های شوروی که رسانه را برای مطرح کردن خود و اغراض شخصی بکار می بردند.

پنج- اشتباه گورباچف که نوید اصلاحات را داد (گلسنوست و پرس ترویکا)، ولی طرح معناداری عرضه نکرد.

از دیدگاه سرگی بابورین، معاون رئیس مجلس و عضو دو دوره دومای روسیه:

یک- کشیده شدن شوروی به جنگ سرد و غفلت از توسعه اقتصادی و رفاهی.

دو- عدم گرفتن درس عبرت از چین زمان مائو، و الگو نگرفتن از چین دوران دنگ شیائو پینگ.

سه- تخریب سیستماتیک و بی اعتبار کردن فرهنگ کهن مردم شوروی.

چهار- شکست شوروی در جنگ تبلیغاتی در برابر غرب.

پنج- تلاش غرب در نفی دستاوردهای مثبت گذشته و سیاه نمایی فضای کشور.

شش- جذاب شدن سبک زندگی غربی برای مردم محروم از دسترسی.

هفت- تخریب اعتبار ارتش توسط تبلیغات خارجی و اعمال خودسرانه و نقض گسترده حقوق بشر توسط سازمانهای امنیتی و قضائی.

هشت- تحریک تجزیه طلبی توسط بیگانگان.

نه- بی برنامه‌گی سران شوروی و طرح های احمقانه و غلط در مورد صنایع، رفع بیکاری و تولید ملی.

از دیدگاه زوگانف، رئیس مجلس روسیه:

یک- استفاده از دروغ و تهمت برای فریب افکار عمومی.

دو- نفوذ عوامل غرب در ساختار دیوانسالاری شوروی.

سه- موفقیت نفوذ غرب در رسانه های شوروی.

چهار- خیانت مقام های بلندپایه شوروی به نظام حاکم.

پنج- عوام فریبی در اعلام برنامه برای اصلاحات در شوروی.

شش- رواج فساد، ارتشاء، دزدی، خیانت و اختلاس در تخریب اقتصاد.

کورس زعیم

هموند شورای مرکزی جبهه ملی ایران

زنداد اوین - ۹ آبان ۱۳۹۶ خ